محمد هاشم خان واصل

پرونتا، محمد صالح

از شعرای قرن سیزده هجری قمری افغانستان میرزا محمد نبی خان بن‏ میرزا محمد هاشم خان متخلص به«واصل»می‏باشد.

تاریخ تولدش را در 1244 هجری قمری دانسته‏اند.واصل در ایام‏ صباوت نزد ملا رحم دل تحصیلات ابتدائی را فراگرفته و هنوز از تحصیلات‏ ابتدائی فارغ نشده بود که پدرش بدار البقاء شتافت.مادرش وی را به میرزا محمد محسن خان،که ابتدا منشی سردار کهندل خان و بعد دبیر امیر دوست‏ محمد خان و سپس دبیر امیر شیر علی خان بود،سپرد.او هم استعداد و لیاقت‏ واصل را دیده،توجه مزید بکار برد،تا در مدت کمی اثبات اهلیت کرد و در زمره محررانش درآمد و چون محمد محسن خان که منشی اعلیحضرت امیر شیر علی خان بود،برتیه دبیری رسید،واصل را مشاور و محرر خود قرار داد و تمام امور مربوط را بدو سپرد.

واصل کارهای دولت را بخوبی اجراء می‏کرد و همیشه با میرزا محمد محسن خان بدربار میرفت.بعد از آن‏که میرزا محمد محسن خان از طرف‏ اعلیحضرت امیر شیر علیخان بسفارت روس و حکومت ترکستان مقرر شد، واصل را بمعاونی خود گماشت و تمام کارهای دبیری را بدوش او گذاشت. واصل هم تا زمان وفات اعلیحضرت امیر شیر علیخان،(1296)به این کار اشتغال‏ داشت.

بعد از وفات امیر شیر علیخان،که امیر عبد الرحمن خان از ماوراء النهر بطرف کابل آمد،واصل با بعضی از بزرگان کابل،باستقبال او رفت و در چهاریکار بحضور اعلیحضرت موصوف مشرف شد و سمت دبیری یافت.

واصل در دربار اعلیحضرت امیر عبد الرحمن خان اقتدار و اعتبار زیاد حاصل کرده و در تمام عمر باعزاز و احترام می‏زیست،در سفر و حضر در حضرت‏ سلطان می‏بود و در اجرای وظیفه بسیار ماهر بود،تمام مسایل خارجی و داخلی بمشورت و قلم وی منوط بود،باوجوداین همه وظایف سنگین و مهم‏ هیچگاه مورد بی‏مهری و عتاب امیر قرار نگرفت،چنان‏که بعد از وفاتش‏ اعلیحضرت مکتوبی مبنی بر رضایت خود از او بمادرش فرستاد و منصب او را هم بپسرش مرحمت کرد.

واصل طبعا انزوا پسند بود و در عمران و آبادی شوق مفرطی داشت‏ و ساختمان‏های متعددی بنا کرد.

واصل از ایام شباب به ادبیات علاقه مفرط داشت و در شعر و شاعری دارای‏ شوق خاصی بود.باوجودی‏که اکثر اوقات او در امور دولتی صرف می‏شد، از شعر و شاعری برکنار نماند و از گفتن اشعار خودداری نکرد.

واصل اوقات فراغت خود را صرف مطالعه دواوین شعرا کرده و از همه زیادتر بحضرت وحافظ ارادت داشت و در شعر نیز از لسان الغیب پیروی می‏کرد اما در بعضی غزلها بصائب و سعدی و مشتاق و دیگران هم اقتضا کرده و بخوبی از عهده برآمده است.

بالاخره واصل در روز پنجشنبه 14 ماه شوال 1309 بمرض وبا بدرود جهان‏ گفت و نعشش حسب الامر حضرت والا از پغمان حمل شد و در جنب جنوب غربی دیوار باغ آغا1موسوم بجهان سرای دولتی مدفون گردید.

دیوان کامل واصل بدست نیست،از شرح حالش بهمین مختصر اکتفا رفت. (1)-باغ آغا فعلا در ولایت کابل است،قبر واصل لوحه سنگی داشته که اینک نمونه‏ای از اشعار او:

بیا ای از دهان نوشخندت حل مشکل‏ها لبی چون غنچه خندان‏ساز و بگشاد عقده دلها ز حد شد درد مشتاقی بیار آن بادهء باقی‏ «الا یا ایها الاساقی ادر کأساً و ناولها» صبا امروز بوی نافه‏چین می‏دهد هر دم‏ مگر دوش از خم گیسوی او طی کرده منزلها چه سحرانگیختی جانا که از چشمان جادویت‏ ز خود رفتند هشیاران بخون خفتند عاقل‏ها غم عشقت که می‏گفتم نهان از مردمان ماند سر شکم فاش کردای نور چشم آخر به محفلها خدا را آنقدری ناخدا ایمان مبان مباش از خود که چون آید قضا کشتی بگرداند ز ساحلها جرس امشب نمی‏نالد نمی‏دانم کزین وادی‏ کجا لیلی و شان رفتند و بگشادند محملها چرا چون رعد نخروشم که از باران اشک من‏ گذشت آن نازنین چون برق و ما را هشت در گلها محبت دین و آئین دگر دارد که در شرعش‏ دیت از کشته می‏خواهند مزد شست قاتل‏ها هوسناکان و بی‏باکان کجا و شیوه پاکان‏ ره و رسم خبرداران کجا دانند غافل‏ها حریفان از فروغ می،من از عکس رخ ساقی‏ چنان بر خود زدیم آتش که برق افتد به حاصلها بنه سر بر در میخانه گر سرمایه‏ها خواهی‏ کزین باب الحوائج گنجها بردند سایل‏ها اگر معشوقه دل خواهد و گرجانانه جان واصل‏ فلا تخلف و لا تهوی فبلغها و ارسلها

(1)قهنگام تعمیر مهمانخانه از بین رفته محل قبر واصل تا سال 1299 هـ ش در گوشه جنوب غربی نزدیک نهر معلوم بوده،.و بهد از میان رفته.